

#### روایهای ناتمام کودکان پایین شهر

علوی

این روزها بیشتر مردم برای خرید عید به خیابان‌ها آمده‌اند، هنوز خیابان آن قدر شلوغ نشده که جایی برای سوزن آنداختن نباشد اما باز هم رونق آن غنیمت است. دوباره شور و هیاهوی عید برپا شده است، پشت وپنیرن مغازه‌ها لباس و کفش‌های جدید چشم‌پسندگان را خیره می‌کند، اما حکایت کودکان پایین شهر و روایهای ناتمام‌ها را هیچ‌کس دیگری است.

یکی از خریداران که به یکی از پاساژهای شهر برای خرید آمده است از این مغازه به آن مغازه می‌رود تا جنس دلخواهش را پیدا کند، لباسی را که برای فرزندش انتخاب کرده است، به تن او می‌کند و سر تاپای او را واردان می‌کند تا ببیند مناسبش هست یا نه. از آن جا به مغازه کفش فرشی می‌رود بی توجه به اطراف، کفش‌های مختلفی را برای فرزندش انتخاب می‌کند اما هیچ یک از آن‌ها باب سلیقه اش نیست. مادر دیگری هم مدتی است به قفسه رنگین کفش‌ها چشم دوخته است، مدل‌های مختلف آن را در نظر می‌گذارد اما هر یک را که برمی‌کشد و یک جفت کفش ورنی قرمز را انتخاب می‌کند، اما مادر وقتی قیمت آن را می‌بیند، می‌گوید: این کفش‌ها اندازه پای تو نمی‌شود. دختر که از خوق و شوق داشتن یک جفت کفش قرمز در پوست خود نمی‌گنجد، بالا و پایین می‌برد می‌گوید: «آقا مغازه دار بپرس، همه اندازه‌ها را دارد، مادر تو رو صدا...» مادر که طاعت نشین این جمله را ندارد، از مغازه بیرون می‌رود اما دختر که همچنان به کفش‌ها چشم دوخته است، متوجه بیرون رفتن مادر نمی‌شود. مادر که نمی‌خواهد بیش از این پیش یک چشم و دیگران شرمده شود، سر به زیر می‌افتد و می‌رود و دختر کم‌گریه‌کنان به دنبالش.

##### یک شماره بزرگ تر

کسیه گونی‌ریز مزاح‌بازپایان، پدر دستان کرخت‌شده اش گرفته است و از میان هر کوه‌چاهی که می‌گذرد نگاهیه به اطرافش می‌اندازد تا مبادا زباله یا زباله‌فشانک را از دست بدهد. در همین حین که نگاهش به آن سو و آن سو برت است، به مادران پدیده ای که هر یک با شتاب در جستجوی یافتن اجناسی مورد نظر خود هستند، می‌خورد و با برخوردشند یکی از مادران او مواجه می‌شود، کودک را بر پرا اهانت یک عابر پیاده سکوت و قطع با تعجب به او نگاه می‌کند و آلب این برخورد را نمی‌فهمد، او آن قدر در دنیای کودکی خود قمار است و بر پای روایهای سوار شده است که چیزی نمی‌شود. او خود را جای کودک گانه‌ای که دست در دستان مادر و پدر، از این مغازه به این مغازه می‌روند تصور می‌کند، خود را جای کودکی که پشت وپنیرن مغازه ای دیده بود می‌گذارد که مشغول پرو کردن یک جفت کفش است و هر قدر تلاش می‌کند کفش به پایش نمی‌رود و او از فرودشده می‌خواهد تا کفش بزرگ‌تری را بپوشد، دوباره کفش برمی‌دارد که راستی تا دیگر سبک پاهایش یک شماره بزرگ‌تر می‌شود و او پوئی ندارد که دوباره کفش بخرد، با این بار کفش را دستچگی پایشش را عوض می‌کند و می‌خواهد یک جفت کفش بزرگ‌تر را بپوشد و با لب است برایش بیاورد. در این افکار خوش، غری است که دست او بر اکتان می‌دهد و می‌گوید: چاره‌هر چه به تو می‌گویم پاسخ نیت دهی و فقط به گوشه ای زل زده ای؟ پس‌ک به خودش می‌آید و همین‌روایی او چوکنش هم‌ناتمام می‌ماند. سرش را پایین می‌اندازد تا این بار دیگر هیچ‌نبنده، شاید این طور بهتر باشد...

##### این جا خبری نیست

خیابان‌های ما مرکز شهر رنگ شلوغی گرفته اما چند خیابان آن طرف‌تر، به سمت پایین شهر خبر چندانی از شلوغی و هیاهو نیست. هر چه پایین‌تر می‌روی سطح زندگی‌های نیز پایین‌تر می‌آید، انگار فقر می‌خواهد گوی سبقت را از اهالی برپاید و برنده نهایی زندگی آن‌ها شود. هر چند بوی عید را اگر کمی دقت کنی می‌توانی از لای لای کوفه‌های شیب دار و ننگ‌پایین شهر استنماد کنی. همان جایی که دیوارهایش گاهگهی و آجری و برخی جاها نیمه‌فر و ریخته است، بوی قفر و نداری از میان آجرهای آه‌های دیوارهای شاه هم به مشام می‌رسد. آن‌ها به تپیه‌ن نان شیشان فکر می‌کنند و بهار برایشان معنایی ندارد بهار برای آن‌ها واره غریبی است که فقط درشان را تازه‌تر می‌کند اما برخی از آن‌ها با همین نداری به گفتن خودشان می‌خواهند نوشتشان را با سبیلی سرخ نگه دارند و به استقبال رفته‌اند اما آن‌ها باز هم خدارا شاگر هستند هر چند بسیاری از روزوهای کودکان‌شان به دل‌شان می‌ماند اما دل، خوش دارد که سایه پدر و مادر بالای سرشان هست و مانند آن‌هایی نیستند که در کجک تنهایی خانه‌های نگهداری از کودکان یا به سببست دقیقه‌ها را به ساعت پیوند می‌زنند تا این روزها هم بگذرد و روزی نو بیاید شاید شب‌های تاریک برایشان را به سبیدی صبح پیوند زند.

#### از دندان کشیدن سلمانی‌ها تا مدل‌های چتری و مارهایی که در الکل ننگه داشته می‌شد

## قیچی و ماشین‌خاطرات در دست سلمانی‌های قدیم

بهروز

هنوز بسیاری از ما سربال «آرایشگاه رزیا» را به خاطر داریم؛ آرایشگاهی که در آن حوات تلخ و شیرین زیادی اتفاق می‌افتاد و اوستای سلمانی برمی‌کشد و یک جفت کفش ورنی قرمز را انتخاب می‌کند، اما مادر وقتی قیمت آن را می‌بیند، می‌گوید: این آرایشگاه‌ها معروف است؛دست سلمانی‌هایی بود که این‌روزها کمتر آن‌ها را می‌بینیم. نزدیک عید که می‌شود بازار آرایشگاه‌ها هم داغ می‌شود، مردم وزن‌نادر همه می‌خواهند برای عید لباس بخرند و تازند.

در کنار همه رفت‌وآمدها، تکلیف و تلاشی که برای عید می‌شود کمتر فردی است که وقتی را برای رفتن به آرایشگاه مشخص نکند و وقتی به این کن اختصاصی نبدهد. بگذریم از این که دوره‌ای شده است که آقایان هم باید برای انتخاب مدل مووقت بگذارند و وقت بگیرند و دیگر آرایشگاه‌های مردانه هم جای دردمل نیست و سکوت این آسان فقط با صدای قیچی و موخشک کن کششسته می‌شود. اکنون دیگر از سلمانی‌های دوره که خبری نمی‌رود و او از فرودشده می‌خواهد تا کفش بزرگ‌تری را بپوشد، دوباره کفش برمی‌دارد که راستی تا دیگر سبک پایشش یک شماره بزرگ‌تر می‌شود و او پوئی ندارد که دوباره کفش بخرد، با این بار کفش را دستچگی پایشش را عوض می‌کند و می‌خواهد یک جفت کفش بزرگ‌تر را بپوشد و با لب است برایش بیاورد. در این افکار خوش، غری است که دست او بر اکتان می‌دهد و می‌گوید: چاره‌هر چه به تو می‌گویم پاسخ نیت دهی و فقط به گوشه ای زل زده ای؟ پس‌ک به خودش می‌آید و همین‌روایی او چوکنش هم‌ناتمام می‌ماند. سرش را پایین می‌اندازد تا این بار دیگر هیچ‌نبنده، شاید این طور بهتر باشد...



قره تو

**علوی** - قره تو یکی از غذاهای قدیمی و بومی بجنورد است که با کتک در دست می‌شود و پس از آماده شدن داخل آن نان تریب و سرو می‌کنند. در این شماره بانو دزهر سلطان مستونبان طرز تهیه این غذا را آموزش می‌دهد.

**مواد لازم:** کتک ۲۰۰ گرم، پیاز یک عدد، سیر داغ و نعنای داغ به مقدار لازم، روغن حیوانی به میزان دلخواه ، گردو به میزان لازم ، مقداری نعنای خشک، زردچوبه یک قاشق پرا محوری، شیرین بیان به میزان لازم.

**طرز تهیه:** ابتدا پیاز و نعنای را سرخ می‌کنیم و داخل آن یک قاشق چای‌خوری زردچوبه می‌ریزیم. کتک سبایده‌شده را با آب مخلوط می‌کنیم (اگر از کتک‌حلی استفاده می‌کنید و آن را خودتان می‌سایید، نیازی است داخل آن شیرین بیان اضافه کنید ولی اگر کتک آماده می‌خرید مقداری دارچین، شیرین بیان و زیره سیاه باید بریزید). روی داغ می‌ریزیم و مرتب به هم می‌ریزیم تا جوش نیاید، گردوی آسیاب‌شده و نعنای خشک سیر زنده‌شده را با آن مخلوط می‌کنیم و به هم می‌زنیم تا داغ شود اما بجوشد و سپس داخل آن نان ریز و سرو می‌کنیم.

ما این مقدار به ۴۰۰گرم رسید اما با خیلی کمتر از آن هم موصلاح کرده‌ام. «علی محمدی» می‌گوید: کار کردن به شیوه‌های جدید و یاد گرفتن این همه مدل با اسم‌های عجیب و غریب سخت‌است هر چند خوب‌هم دقت‌گنید که ببینید که همه‌مدل‌ها تقریباً مثل‌هم تفاوت‌ها ن‌اندگ‌کنند.

او از مورد مدل موهایی که مرسوم بوده است، می‌گوید: در زمان پدرم که هنگام جنگ جهانی دوم بود مدل موی افسری که برگرفته از مدل موی متفقین در هنگام اشغال ایران بود، مرسوم‌شده است.

نقد تا این که من متد هادلی اضافه کرده‌ام این که پدرم آن را در جنگ‌سور‌ها و دوره اشغال ایران آموخت اما بعد از آن تا مدت‌ها مدلی اضافه نشده تا این که من هادلی می‌کنند و سر به سرم می‌گذارند؟ او که دیگر دستاش قوتی برای گرفتن قیچی و شانه اید که آیا قیمت‌ها، ابزارها و برخورد استادان سر تراش با مردم چگونه بود و یک پیرایشگر چگونه تجربه می‌انودخت‌واوستای سلمانی می‌شد؟

یکی از پیرترین سلمانی‌های خراسان‌شمالی می‌گوید: از سلمانی‌ها سوال می‌کردند، وضع زندگی‌مان خوب بود، زردچوبه در زمانه افرادی بودیم که نان‌گندمی می‌خوردیم. پدرم رسته‌هایی بودند که با خوش‌حیون خانه‌شان تراش‌ها خوش‌نگار و مانند آن تعریف می‌شدند که می‌دانم. بوی‌ها افراد در قایل‌نداشتن‌ها می‌شدند. بوی‌ها بیان این که خوش‌تیغ‌ها، قالب سلمانی‌هایی بود که آن قدر تیر به سر و صورت مشتری می‌رسیدند که به اغراق اعلام می‌شد شستنی در دست این افراد خواش می‌برد و صامه تراش‌ها سلمانی‌های یازو خان‌ها و افشار وابسته‌و خوابین و حکومت بودند.

سلمیان بهروز ادامه می‌دهد: سلمانی‌ها از معدود اقشاری بودند که به واسطه شغلشان نان‌گند استفاده می‌کردند و مردم سهم‌گند و حتی گوشت‌آنان را در قالب دستمزد سالانه آن‌ها تعیین می‌کردند. وی می‌گوید: برخی از سلمانی‌ها به نوعی مسازوهر هم بودند و علاوه براین که در حمام سرمشتری را می‌تراشیدند تا با مسازو دردهای عضلانی و خشکشی آن‌ها را هم برطرف می‌کردند.

وی ادامه می‌دهد: کسب و کار در قدیم با این روزها تفاوت زیادی داشت و ملاحظه و انصاف، وقت‌شناسی، توجه به حلال و حرام بیشتر بود. وی با تم بردن از سلمانی‌های قدیمی‌مانند «اوستا نقی، و، ایمانی، و «غیرتی» بیان می‌کند: دستمزد این افراد در دهه ۴۰ و ۵۰ از دو ریال شروع می‌شد و تا حالا که نرخ‌ها به ۵ هزار تومان رسیده است. وی در ادامه عنوان می‌کند: در آن روزها شاگرد سلمانی باید سال‌ها کار آموزی و شاگردی می‌کرد تا به این‌صورت می‌رسید و مشاغل‌مانند سلمانی در خانواده‌ها نسل به نسل منتقل می‌شد و حتی برخی نام‌های خانوادگی هم از روی مشاغل برداشته می‌شد.

یکی دیگر از سلمانی‌های قدیمی بجنورد هم با بیان این که تا دهه ۴۰ برای آرایشگری نرخ و نرخ نامده نبود، می‌گوید: تخصص تمام آرایشگری‌ها آن زمان بود که آرایشگر کرم، «اوستا نقی» اضافه می‌کند. هر قره‌پو از اصلاح‌سرو و صورت خود هر چقدر که مایل بود تمام می‌داد و سال ۱۳۵۱ تخصصی‌نرخ‌نامه را قابل‌اصناف اعلام کردوی می‌افزاید: نرخ آرایشگاه‌مردانه در آن سال برای اصلاح‌سرو صورت در آرایشگاه درجه یک ۲۰۰ ریال و درجه دو ۱۰۰ ریال تعیین‌شده بود. وی با بیان این که در آن‌توقع سال‌ها رخ‌همه‌ها تغییر نمی‌کرد بیان می‌کند: در سال ۱۳۴۰

برای کسب مجوز رسمی در این رشته باید معاینات بهداشتی و پزشکی این‌انجام می‌دادیم و دخترچه‌ها سلامت‌بهدشتی را دریافت‌کن می‌کردیم. وی در مورد ابزارهای مورد استفاده هم می‌گوید: برای‌های آرایشگری در آن زمان منحصر به فرد بود و با آن ابزارهایی مانند سوزمی و چرم که برای براده برداری از نغ استفاده می‌شد. آن رازو و سلمانی بیش از ۱۵۰ نفر از اصالح می‌کردیم. وی اشاره به شیوع تیفوس و شیش در آن سال‌ها می‌کند: برای رعایت بهداشت پس از هر بار مصرف، شانه‌ها و تیغ‌ها را در حمام و ملاحظه و انصاف، ماشین‌های سلمانی‌ها را با چراغ الکلی ضدعفونی می‌کردیم و برای اصلاح‌صورت تا قبل از ورود پودر صابون‌های شرکتی را آرایشگران صابون‌های دست و صورت را پوثر می‌کردند و در وسیله‌ای مانند مینک‌پاش می‌ریختند و با فرچه مخصوص و آب گرم لایزم را تمیز می‌کردند. اما حالا این‌طور نیست و مردم اطلاعات زیادی دربار دخیلی‌ها را دارند اما کم‌تر تخصصی خود را برای اصلاح می‌آورند و آن لایزم یک بار مصرف مانند صابون، تیغ و خمیربرش برای رعایت بیشتر بهداشت، استفاده می‌کنند.

اوستا نقی، اضافه می‌کند: در زمان‌های گذشته تقریباً آرایش‌سرو صورت مردان زیاد تفاوت‌نداشت و اما این‌روزها این‌طور نیست و مدل‌های عجیب و غریب‌زیاده‌شده است. یکی از شهروندان بجنودی هم می‌گوید: آن روزها رفتن به سلمانی‌متراف بود با تراشیدن یا ماشین‌کرن‌سربا شماره‌های مشروط و دو که در حال‌با کچل‌شدن و تراشیدن تیغ‌تفاوت‌نداشت. به‌چه‌جا در ۲ موقع از سال با تراشیدن سر مردم‌های شندلیک‌بار برای عیدیدار دیگر هنگام آمدن مدارس که مجبور به تراشیدن سر‌ها می‌بودی یا بیان این که در آن‌توقع سال‌ها رخ‌همه‌ها تغییر نمی‌کرد بیان می‌کند: در سال ۱۳۴۰

#### کودکان و تلفن همراه

با دیدک شدن به بهار یا بهار آید، برخی از کودکان و دانش‌آموزان برای بول‌های عید خود برنامه‌ریزی می‌کنند برخی از آن‌ها به دنبال پیشرفت تکنولوژی از اینترنتشان می‌خواهند موبایل یا تبلت برای شان خریداری کنند، این را حالی است که استفاده از این وسیله برای کودکان در حال شدن نسبت به مخاطر جسمی برایشان خطرناک‌است و باعث محدود شدن تفکر آن‌ها و گرفتن خلاقیتشان می‌شود. در این باره یک روانشناس بیان می‌کند: «دلیل آن یک کنتونوکی مورد استفاده قرار گیرد باید فرهنگ صحیح استفاده کردن از آن آموزش داده شود. «همتی» ادامه می‌دهد: تا زمانی که دانش‌آموزان برای انجام کارهای تفریحی خود به ابزارهای الکترونیکی نیاز پیدا نکنند، لازم نیست این ابزارها برایشان تهیه شود. وی بیان می‌کند: آشنایی کودکان با ابزارهای دیجیتال باید از سنین واقعی استفاده از آن ایجاد شده باشد. وی با بیان این که ابزارهای الکترونیکی، آموخ خطرناکی دارد، اظهار می‌دارد: این ابزار روم کردن کودکان و روند رشد آن‌ها تاثیر منفی می‌گذارد. به گفته وی، استفاده از تبلت یا تلفن همراه باید از زمانی که کودک قدرت تشخیص خود را بداند آغاز شود. وی اظهار می‌دارد: نمی‌توان سن خاصی را برای استفاده کودکان در نظر گرفت زیرا میزان رشد درک و توانایی‌های کودکان در سنین مختلف به متفاوت است و تشخیص آن هر چه‌قدر پدر و مادر و در صورت نیاز مشاور است. البته وی بر این موضوع هم تاکید می‌کند که زمان استفاده از این وسیله باید مشخص و محدود باشد تا همه وقت آن‌ها را پر نکند.



سال ۷

اول

#### ادعای اعصار و تقسیط

**علوی** - خوندگان عزیز روزنامه خراسان شمالی می‌توانند سولات حقوقی خود را طی تلخ‌نامه یا دفتر روزنامه مطرح کنند تا پاسخ آن‌ها را کارشناسان جوابا می‌دهند. در این شماره «مدی...» و «اورو...» کلیل یک‌کد گذستری به سوال یکی از خوندگان پاسخ می‌دهد.

**آیا به صرف‌ااری می‌توانید اعصار و تقسیط را پرداخت هزینه‌دادرسی یا محکوم به (مبلغ محکوم‌شده) وکیل‌دارد، می‌توان ادعای اعصار و تقسیط‌اورا مردود اعلام کرد؟**

صرف‌داشتن وکیل، نمی‌تواند مستندتر، ادعای اعصار موکل باشد، زیرا ممکن است وکیل، ترغیباً و کلاً مدعی اعصار را پذیرفت باشد، یا مدعی اعصار زبان را دراخت خودا کلاً نگه‌دار داشته باشد. لکن‌قادر به تأییه محکوم بنده‌باشد و دادگاه‌اعلا و در رسیدگی به دلایل مستند ادعای اعصار، می‌تواند.... هرگونه تحقیق یا ادعایی که برای کشف حقیقت باشد.... انجام دهد. (ماده ۱۹۹ قانون آیین‌ادارسی دادگاهای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۳).

#### آرام‌کننده اعصاب

«بونه» از خانواده نعناع و برای هضم غذا مفید است. یک کارشناس گیاهان دارویی این گیاه را آرام‌کننده اعصاب می‌داند و می‌گوید: این‌گونه دانش‌تنج بیند هست و به درمان اسهال و بیماری‌های گوارشی کمک می‌کند و همچنین حاوی مقادیر زیادی ویتامین A و B است. «معمارپانی» بونه کوهی را از بهترین گیاهان تقویت‌تنام می‌د و در اظهارهای دارد: دم‌کرده بونه برای برطرف کردن ناراحتی‌های عصبی و اختلالات گوارشی مفید و موثر است. وی می‌افزاید: مصرف بونه کوهی، کار روده‌ها را منظم می‌کند، در معده و معده‌های راسکین می‌دهد و برای رفع ناراحتی‌های کبدی بسیار موثر است.

#### آجیل‌فله‌ای

نگهداری از آجیل در شرایط ناساعد، بستر مناسبی برای رشد میکرو ارگانیسم‌های بیماری‌زا به خصوص قارچ‌هاست. رئیس اداره سلامت و ترندستی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی گفت: آفاتوگنی یکی از آلوده‌کننده‌های آجیل است که به شدت بیماری‌زا است و می‌تواند زمینه‌ساز بروز بیماری‌های بدخیمی‌شود. «سجادی» با اشاره به این‌که هرچه آجیل تازه‌تر باشد میزان آلودگی‌اش به قارچ‌ها به خصوص «آفلاتوکسین» کمتر است. بیان کرد: مزه ماندگی، بوی مرطوب و کدر رنگ از ویژگی‌های آجیل بی‌تاز و نمانده و فله‌ای است. وی تصریح کرد: توصیه‌جدی‌ما به مردم این است که این محصولات را از مراکز تهیه تریه‌نیز این آلودگی‌های می‌توانند در کوتاه‌مدت سلمانی‌افراد را تهدید کنند و در دراز مدت اثر تجمعی، ایشتشگی و بیماری‌زایی اطراش می‌باشد. وی ادامه داد: ساده‌ترین راه ممکن برای پیشگیری از بیماری‌های احتمالی ناشی از محصولات آجیل‌های معیوب، مشاهده سلامت سازمان غذا و دارو روی بسته‌بندی محصولات خریداری‌شده است.

### آگهی آراء هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۱۱- کلاسه ۱۳۹۵/۱۲ آقای اسمعیل ذبیحی فرزند لطف اله میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۳ فرعی از محل مالکیت مشاعی متقاضی به شماره رای ۱۳۹۵/۴۹۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۳۰  
۱۲- کلاسه ۱۳۹۵/۱۰ آقای ابراهیم خوراشاهی فرزند مهدی میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۱۵۹/۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۳ فرعی از محل مالکیت آقای سید رضا فخرنیی به شماره رای ۱۳۹۵/۴۹۶ - ۱۳۹۵/۱۱/۳۰  
۱۳- کلاسه ۱۳۹۵/۳۸ خانم لعبت سبحانی فرزند میرزا رحمت میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۳ فرعی از محل مالکیت مشاعی متقاضی به شماره رای ۱۳۹۵/۴۲۲ - ۱۳۹۵/۱۱/۲۰  
**بیش ۶ بجنورد حوزه ثبتی جاجرمد پلاک ۷۴- اصلی موسوم به کلانه ایرو**

۱۴- کلاسه ۱۳۹۵/۲۸ آقای حسین نوروزی مقدم فرزند روح اله شش‌دانگ یکباب منزل به مساحت ۳۳۶ مترمربع از محل مالکیت آقای سید علی اکبر سیدی به شماره رای ۱۳۹۵/۳۵۱ - ۱۳۹۵/۹/۳۰  
**پلاک ۲۵۷- اصلی موسوم به کلانه فرح آباد**

۱۵- کلاسه ۱۳۹۴/۲۹ آقای رضا راجعی ثانی فرزند علی شش‌دانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۴۸۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲ فرعی از محل مالکیت آقایان سید علی شیخ الاسلامی و سید حسن قوجانی به شماره رای ۱۳۹۵/۴۲۳ - ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ -

##### پلاک ۵۱۷- اصلی موسوم به مزرعه حطیبه

۱۶- کلاسه ۱۳۹۴/۲۱ آقای محمد عبدالحسینی فرزند حاجی آقا شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۹۱۲۶ مترمربع از محل مالکیت آقایان حاج علی عبدالحسین، حاج محمد علی درخشانی، ابراهیم محمودیان، عباس صادقی و حاج علی محمد عبدالحسینی به شماره رای ۱۳۹۵/۴۲۶ - ۱۳۹۵/۱۰/۳۰  
۱۷- رأی اصلاحی به شماره ۱۳۹۴/۱۳۴۹ - ۱۳۹۴/۹/۲۹ در خصوص کلاسه ۱۳۹۳/۶۸ که نام مالک رسمی اشتیابا سید حسین فاطمی قید گردیده بود بدین شرح اصلاح می‌گردد: شش‌دانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۹۳/۷۴ مترمربع بنام آقای سید خلیل فاطمی قسمتی از پلاک ۷۴- اصلی بیش ۷ بجنورد حوزه ثبتی جاجرمد صحیح می‌باشد.

۱۸- رأی اصلاحی به شماره ۱۳۹۳/۲۸۶۳ - ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ در خصوص کلاسه ۱۳۹۲/۲۳۳ آقای ابراهیم غلامی فرزند قنبر بدین وسیله اصلاح می‌گردد: شش‌دانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۳۷۶/۶ مترمربع قسمتی از پلاک یک فرعی از پلاک ۲۵۱- اصلی بیش ۷ بجنورد حوزه ثبتی جاجرمد محل مالکیت سید علی شیخ الاسلامی صحیح می‌باشد. لذا بدینوسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در رأی اعلام شده ابلاغ می‌گردد چنان‌چه اعتراضی دارند باید از تاریخ اولین نوبت انتشار آگهی و در روستا از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مباردت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نماید. اداره ثبت مباردت به صدور سند خواهد نمود. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵**

### اردلان محمدی کوشکی – کفیل اداره ثبت اسناد و املاک جاجرمد

۰۲۷۶۰۳۲۲-۰۱۵۳۸۴۹۹۹۰۹۱۵

**آدرس: بجنورد- خیابان آزادی- مقابل آزادی ۱۴**